

موقعیت محدود و تابع کودکان، به ویژه دختران را به نظم اجتماعی فرهنگی تمدن ایرانی مربوط می‌داند که در رابطه میان مسئولیت و اطاعت ریشه دارد، و براساس سلسله مراتب قدرت مرد و افراد مسن‌تر تنظیم شده است.

تهیه و تنظیم: دکتر حمید احمدی  
استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

## زنان در جوامع مسلمان: گوناگونی در درون یگانگی

Herbert L. Bodman and Nayereh Tohidi  
eds. *Women in Muslim Societies: Diversity Within Unity*, London and Boulder:  
Lynne Rienner/ 1998 311 pages.

کتاب «زنان در جوامع مسلمان: گوناگونی در درون یگانگی» به کوشش دو پژوهشگر ایرانی و آمریکایی در یک مقدمه، پنج بخش و چهارده فصل در سال ۱۹۹۸ به

چاپ رسیده است. در مقدمه، هدف کتاب معرفی و تحلیل عوامل متعدد تأثیرگذار بر زنان مسلمان با جمعیتی نزدیک به نیم میلیارد نفر در سراسر جهان بیان شده است. بخش نخست که به قاره آفریقا اختصاص دارد، شامل سه فصل تحت عناوین «جنسیت و مذهب در هاسالند»<sup>۱</sup> (در نیجر و نیجریه)، «زمان برخورد نوگرایی با آداب سنتی»، و «گوناگونی فرهنگی در اسلام: حجاب و قوانین در تونس» می‌باشد. باربارا کوپر<sup>۲</sup> و نگارنده مقاله که در دانشگاه نیویورک به تدریس مشغول است، در نوشته‌ای به تفاوت‌های جغرافیایی و زمانی در تجربه زنان منطقه آفریقای غربی از دین اسلام می‌پردازد. وی قصد دارد تا تأثیر اسلام بر زندگی زنان یک گروه زبانی و قومی موسوم به هاسارا با در نظر گرفتن تاریخ پیچیده نیجر و نیجریه در ادوار استعماری و پس از استعمار نشان دهد. پژوهش بعدی توسط نور کاسامالی<sup>۳</sup> از منطقه آفریقای شرقی و در مورد خشونت نسبت به زنان و نقض حقوق بشر در بیست کشور آفریقای و بخش‌هایی از عمان و یمن به انجام رسیده است. جامعه‌شناس و پژوهشگر دانشگاه

پیتسبورگ، ام. شاراد<sup>۴</sup> به بررسی مسئله حجاب در تونس پرداخته، و استدلال می‌کند که مجادله بر سر هویت فرهنگی در خاورمیانه در سالهای اخیر باعث تبدیل مسئله حجاب اسلامی به سمبل سیاسی قدرتمندی شده است. در نتیجه، در تصمیم‌گیری در مورد این که آیا زنان خود را به حجاب مزین کنند یا نه، زنان مسلمان تنها در مورد انتخاب نوعی لباس تصمیم نمی‌گیرند. بنابراین اهمیت مسائل سیاسی نیز نباید نادیده انگاشته شود. به طور مثال، یکی از رهبران اسلام‌گرایان الجزایری به اهمیت سیاسی حجاب در بحران سیاست این کشور تاکید کرده است. کاسامالی در نوشته خود با شرح انواع حجاب به علل فرهنگی و اجتماعی رشد این پدیده در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در تونس و حقوق خانواده تونسی اشاره می‌کند.

بخش دوم کتاب با عنوان منطقه خاورمیانه شامل سه مطالعه موردی برای زنان ایران، سوریه و یمن می‌باشد. هینا ناکانیشی<sup>۵</sup> استاد کالج بین‌المللی کوریو در ژاپن در مقاله‌اش با عنوان «قدرت، ایدئولوژی، و بیداری زنان در ایران پس از

انقلاب، دو پرسش اصلی را مطرح می‌نماید: (۱) آیا اسلام‌گرایی ضد زن است؟ آیا دولت ایران واقعاً اسلام‌گرا می‌باشد؟ و نتیجه می‌گیرد که سیاستهای اصلاح طلبانه دولت نشان دهنده این واقعیت است که دولت باید توازنی بین مشروعیت نظام و بسیج زنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی-اجتماعی برقرار کند. وضعیت زنان مسلمان در سوریه به وسیله بوتینه شعبان، استاد ادبیات انگلیسی در دانشگاه دمشق مورد مطالعه قرار می‌گیرد در نوشته او در مورد وضعیت زنان سوریه دو شکل اصلی شناسایی شده عبارتند از: نخست این که تناقضی بین دست آوردها و موفقیت‌های مهم زنان سوری در تمام سطوح زندگی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی از یک سو و ایستارهای اجتماعی که هنوز به طور کامل از حقوق برابر برای زنان پشتیبانی نمی‌کنند از سوی دیگر دیده می‌شود. دومین شکل مربوط به تصویر سوریه به عنوان کشور مسلمانی می‌شود که در آن زنان محجبه هستند، آموزش و پرورش برای دختران و پسران مجزا شده است، و مشاغل دولتی در اختیار مردان قرار گرفته و زنان تقریباً کنار

گذاشته شده اند. این پندار مغایر با واقعیت‌ها می‌باشد. تحولات نهادی و قانونگذاری در طی سی سال گذشته فرصت‌های بسیاری را برای زنان سوری که به تدریج وارد بازار کار دولتی و حرفه‌ای می‌شوند، فراهم آورده است. نویسندگان بیان می‌دارد که طبق قانون اساسی سوریه اسلام مذهب رسمی کشور بوده، و همواره نفوذ عمیقی در تاریخ چهارده قرن اخیر سوریه داشته است. با وجود این، اندیشه سکولار هدایت‌کننده سیاست‌های دولت دمشق در سه دهه اخیر بوده است. حزب سوسیالیست عرب بعث که از ۱۹۶۳ تاکنون حزب حاکم سوریه بوده است، در اساسنامه‌اش خود را حزبی سکولار و دارای برنامه جامع اصلاحات سیاسی و اجتماعی (از جمله اصلاحاتی در زمینه برابری زنان و مردان سوری، و مشارکت کامل زنان در بازار کار) معرفی می‌کند. در ۱۹۷۰، دولت برنامه این حزب را به عنوان برنامه ملی برگزید، و دبیرکل این حزب حافظ اسد به مقام ریاست جمهوری رسید. به ادعای شعبان، مشکلات وضعیتی زنان سوریه از شهامت نداشتن زنان برای کسب هویت جدیدشان ناشی می‌شود.

در جامعه پدرسالار سوریه، زنان نشان نداده‌اند که مخالف رفتارهای قدیمی و جایگاه نسبی ضعیف خود در جامعه می‌باشند.

لیندا باکس برگر<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه تکزاس با پیشینه تدریس زبان انگلیسی در کویت و یمن شمالی، نگارنده مقاله بعدی با عنوان «از دو به یک کشور: زندگی زنان در تحولات یمن» می‌باشد. در اینجا، وضعیت تحصیلی، شغلی و حقوقی زنان یمن با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور در سالهای اخیر به ویژه پس از وحدت یمن شمالی و جنوبی بررسی می‌شود. گرچه بنابر قانون اساسی جمهوری یمن، تمام شهروندان بدون توجه به جنسیت در برابر قانون برابر هستند و زنان یمنی نیز از حق دادن رأی و انتخاب شدن برای نمایندگی پارلمان برخوردارند اما به دلیل دیدگاه‌های سنتی مربوط به ذات زنان و جایگاه آنان در جامعه یمنی مشارکت آنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی ملت خویش محدود باقی مانده است.

سومین بخش به منطقه آسیای مرکزی اختصاص دارد، و هشتمین مقاله با عنوان

«پاسداران ملت: زنان، اسلام و میراث  
 نوسازی شوروی در آذربایجان» توسط نیره  
 توحیدی استاد ایرانی الاصل دانشگاه ایالتی  
 کالیفرنیا در نورت ریج تهیه شده است. وی  
 می‌کوشد تا به این پرسش‌های پژوهشی  
 پاسخ گوید: تا چه حد موضوعات و مشکلات  
 مربوط به زنان در آذربایجان ریشه در مدل  
 توسعه و نوسازی سوسیالیستی دوران تسلط  
 شوروی بر این جمهوری دارد؟ تأثیر  
 ملی‌گرایی و درگیری‌های قومی در  
 شکل‌گیری نقش زنان و مردان در دوران  
 حکومت شوروی و پس از آن چگونه بوده  
 است؟ چگونه سیاست‌های بازسازی یک  
 کشور ملی‌گرای نوین در درون نظام اقتصاد  
 بازار بر زندگی زنان تأثیر داشته است؟ نقش  
 اسلام در این زمینه چه بوده است؟ نویسنده  
 بر این باور است که دولت باکو در دوران پس  
 از شوروی از لحاظ حقوقی و اقتصادی به  
 اندازه دوران تسلط شوروی حامی نقش  
 اجتماعی و مولدی برای زنان نبوده، و نظام  
 اقتصاد بازار آزاد نیز به زنان توجه خاصی  
 مبذول نداشته است. اسلام دیگر تنها  
 موضوع زندگی خصوصی زنان نبوده، و به  
 طور روزافزونی در حال تبدیل به ابزاری

سیاسی در دست مردان در سطوح ملی و  
 منطقه‌ای است. در فصل نهم، شهبانو  
 تاج‌بخش در مورد وضعیت زنان در  
 تاجیکستان می‌نویسد که فعالیت‌های زنان در  
 آسیای مرکزی را نمی‌توان مشابه جنبش‌های  
 «فمینیستی» سنتی بشمار آورد؛ زیرا در  
 جوامع رها شده از یوغ استعمار (مانند  
 تاجیکستان) زنان غالباً پرچمدار هویت  
 فرهنگی ملی شده، و در موقعیتی قرار  
 می‌گیرند که باید منافع جنسیتی خود را به  
 نفع دفاع از هویت ملی ملت خود نادیده  
 بگیرند. پائولا مایکلز<sup>۷</sup> نگارنده مقاله «زنان  
 قزاق» با اشاره به نقش تأثیرگذار میراث  
 چادرنشینی، اسلام‌آوری، طلوع و افول  
 قدرت شوروی و استعمار طلبی روسیه  
 وضعیت زنان این کشور آسیای مرکزی را  
 مطالعه می‌کند. قزاق‌ها تنها چهل درصد از  
 جمعیت قزاقستان را تشکیل می‌دهند، در  
 نتیجه بخش مهمی از زنان ساکن این کشور  
 غیر قزاق یعنی اوکراینی، روسی و ازبک و  
 غیره می‌باشند. با این وجود، در این پژوهش  
 تنها به شرایط زندگی زنان قزاق ساکن  
 جمهوری قزاقستان توجه شده است. در  
 ضمن، تجربه زنان شهرنشین و روستانشین

ساکن مناطق جنوبی یا شمالی این کشور متفاوت است؛ ولی در اینجا فقط به وضعیت زنان شهرنشین و تحصیلکرده قزاقی اشاره می‌شود.

در بخش چهارم به منطقه آسیای جنوب و جنوب شرقی توجه می‌شود. دینا صدیقی رابطه بین گفتمان‌های جنسیتی را با اختلاف بر سر هویت ملی، سیاست‌های توسعه و سیاست‌های اسلام‌گرایانه در بنگلادش مطالعه می‌کند. وی که بنگلادشی و دارای دکترای مردم‌شناسی از دانشگاه میشیگان است و در حال حاضر به تحلیل پیدایش پدیده «فتوی‌بازی»<sup>۸</sup> علیه زنان در کشور خود [به طور مثال، فتوای صادر شده علیه تسلیحه نسرین<sup>۹</sup> نویسنده‌ای که در مورد خطرها و تهدیدهای ناشی از توسعه‌گرایی و غرب‌زدگی مهار نشده سخن گفته] می‌پردازد. از مشکلات عمده زنان بنگلادش انزوای آنان از جامعه و فرورفتن در فقر همیشگی است. وضعیت زنان مسلمان شهرنشین مینانگ کابائو<sup>۱۰</sup> اندونزی موضوع مقاله لوسی والی<sup>۱۱</sup> از دانشگاه ایلی نوی در رشته مردم‌شناسی می‌باشد. مینانگ کابائو مردم ساکن منطقه‌ای به همین نام در

سوماترای غربی بوده که به دلیل آداب و سنن جالب و بی‌ماندشان که حتی پس از گذشت بیش از صدسال استعمار هلند و ایجاد کشور-ملتی مدرن در سال ۱۹۴۸ هنوز همچنان بر جای باقی مانده است، بسیار مورد توجه مردم شناسان غربی بوده است. نویسنده در سفر علمی به این منطقه در ۱۹۸۲ مجذوب نفوذ اسلام بر ارزشهای اخلاقی و دلبستگی زنان به اسلام شده، و مشاهده نمود که زنان در تقویت اصول اسلام، و انتقال آنها به نسل‌های آینده در جامعه مینانگ کابائو نقش اصلی را به عهده دارند. شهیده لطیف هندی الاصل که تحصیلات عالی خود را در رشته مطالعات توسعه در دانشگاه ساسکس انگلستان به پایان رسانیده، نگارنده مقاله بعدی با عنوان «زنان مسلمان در هندوستان: اقلیتی در میان اقلیتی دیگر» می‌باشد. وی استدلال می‌کند که وضعیت و نقش زنان مسلمان در هندوستان ارتباط مستقیمی با بقای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مسلمان در هند، و جایگاه تمام زنان مسلمان و غیر مسلمان در این کشور دارد. حدود یازده درصد از جمعیت ۹۲۹ میلیونی هندوستان

مسجد بابری<sup>۱۲</sup> در دسامبر ۱۹۹۲ به عنوان ابزاری برای صعود احزاب ملی گرای هندو در صحنه قدرت سیاسی.

در بخش پنجم، نیره توحیدی نتیجه گیری خود را از مقالات گردآوری شده در این مجموعه ارائه می دهد. مطالعات میدانی و موردی این کتاب در زمینه وضعیت زنان در جوامع مسلمان و شناسایی عوامل مهم تأثیرگذار بر زندگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی این قشر پراهمیت برای پژوهشگران علاقه مند به مطالعات زنان، مطالعات منطقه ای، و نیز دست اندرکاران تعیین سیاستهای توسعه و رفاه اجتماعی هنوز هم مفید می باشد.

سعیده لطیفیان

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران

1. Hausaland
2. Barbara M. Cooper
3. Noor J. Kassamali
4. M Charrad
5. Hisae Nakanishi
6. Linda Boxberger
7. Paula A. Michaels
8. Fatwabazi
9. Taslima Nasreen
10. Minangkabau

را مسلمانان تشکیل می دهند، و به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و زبانی جامعه مسلمانان ناهمگون است.

به عنوان اقلیتی در بین اقلیتی دیگر، زنان مسلمان هند تحت تأثیر همان عوامل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی قرار دارند که جایگاه تمام زنان هندی را شکل می دهد. در سالهای اخیر، وضعیت زنان مسلمان این کشور بر اثر فشارهای سیاسی رهبران مسلمان عموماً محافظه کار جامعه مسلمانان هندوستان دچار تحول شده است. به دلیل نادیده گرفته شدن حقوق آنان، زنان مسلمان ناگزیر بوده اند تا با توسل به دادگاه های هند چاره ای برای مسائل مالی و زناشویی خود بیاندیشند. در جدال بین محافظه کاران راست گرای هندو با محافظه کاران مسلمان، این زنان به ابزاری تبدیل شده اند. به دلیل اینکه مذهب و مسئله نظام طبقاتی (کاست) برای نتایج انتخاباتی هنوز مهم می باشد، حقوق زنان مسلمان به موضوعی سیاسی تبدیل شده است. نویسندگان به سه مسئله مورد اختلاف اشاره می کنند: ۱ - حقوق زنان مسلمان پس از طلاق، ۲ - حفظ حقوق زنان مسلمان در قانون اساسی هند، و ۳ - تخریب

پاورقی ها:

11. Lucy Whalley

12. Babri.

## یهودیت، ارزشهای انسانی، و حکومت یهود

Leibowitz, Yeshayahu. *Judaism, Human Values, and the Jewish state*. Edited by: Eliezer Gold man. Cambridge: Harvard University Press, 1997.

کتاب حاضر، گزیده‌ای از مقاله‌ها و بحث‌های «یشایاهو لیبویتز»<sup>۱</sup> دانشمند و متفکر اسرائیلی در زمینه‌های گوناگون اعتقادی مذهب یهود و مسائل اجتماعی و سیاسی است که به وسیله شخص ویرایشگر (گلدمن) در یک مجموعه واحد تهیه و تنظیم شده است. لیبویتز که در کشور خود و خارج از آن به «وجدان اسرائیل» مشهور است از دهه ۱۹۴۰ تاکنون بیشترین انتقادها و بحث‌ها عمدتاً خط مشی‌ها و سیاستهای رسمی دولتی، موسسه‌ها و نهاد‌های مذهبی، آزمون‌ها و محک‌های جامعه اسرائیل،

مفاهیم و ارزشهای مسلط بر جامعه را شامل می‌شده است. قابل توجه است که لیبویتز به دلیل دیدگاه‌ها و برداشتهای ویژه اش نسبت به مسائل گوناگون، و نیز اعتقاد و پایبندی شدید به آنها، هرگز برای مدتی طولانی در عضویت یک حزب سیاسی واحد ماندگار نبوده است. این در حالی است که حتی در یک مورد خاص، نقشی اساسی در تأسیس یکی از احزاب سیاسی جامعه خود داشته است. لیبویتز به دلیل مواضع ویژه اش در دین و سیاست مشهور شد و علی‌رغم اینکه پیرو مذهب ارتدوکس یهود است و اصرار بر التزام عملی یهودیان به اجرای «فرامین دهگانه» حضرت موسی (ع) می‌باشد، ولی با ایجاد احزاب سیاسی - مذهبی مخالف بوده و خواستار جدایی دین از سیاست است. با این حال، وی همچنان از جمله شخصیت‌های علمی و فرهنگی بارز و محترم اسرائیل محسوب می‌شود. او از جمله شاخص‌ترین شرکت‌کنندگان در مباحثات فرهنگی و سیاسی کشور است، و بسیاری از اوقات نیز مصاحبه‌هایی با او در نشریات داخلی و خارجی منتشر می‌شود. او تا چند سال پیش در سن خود ۹۰ سالگی نیز همچنان پویای و